





**doi** The stylistics of a manuscript known as Majlis Ara in the subject of ethics and Arbainiyat 

 Nasim bidbarg<sup>1</sup>

 Elham momeni<sup>2</sup>

Submitted: 03-07-2022 Revised: 28-07-2022 Accepted: 02-08-2022 Published: 23-09-2022 pp.192-206

## Abstract

Based on a hadith of the Holy Prophet (PBUH) that has been narrated by both the Shia and the Sunnis, Islamic scholars and scholars have compiled many books and treatises in the field of 40 hadiths in all historical periods. This tradition has been carried out in order to preserve and record 40 hadiths on various topics and sometimes with explanations and interpretations. The titles of these books during different historical periods were "Forty Hadith", "Arbain-Gouyi" and "Arbainiyat". The present text is classified in the Arbainiyat group under the title Majlis-Ara, which was originally written in Arabic by Ali Ibn Mubakri and translated into Persian by Mohammad Mohsen Shirazi in the twelfth century.

The aim of the present research is the linguistic stylistics of the present manuscript. In this stylistic analysis and review, we have discussed three coordinates, phonetic, morphological and syntactical, and we have collected the examples of each part to achieve the style of the author and in fact the translator. The present research method is descriptive-analytical.

**Keywords:** Majles-ara, Arbainiyat, stylistics, linguistic coordinates.

## CONFLICT OF INTERESTS

The authors declare that there is no conflict of interest regarding the publication of this paper.

© Authors, Published by Journal of Codicology and manuscript research. This is an open-access paper distributed under the CC BY (license <http://creativecommons.org/licenses/by//4/0>)



1. Ph.D. student of Persian language and literature at Al-Zahra University, Tehran, IRAN. - nasim.bd70@gmail.com

2. Ph.D. student of Persian language and literature at Al-Zahra University, Tehran, IRAN. - momenielham93@gmail.com



Studies

Original Paper

Report and Review

## References

- Abdul Razzaq Esfahani, Jamal al-Din, manuscript number 10312, Astan Quds Razavi Library.
- Abdul Razzaq Esfahani, Jamal al-Din, manuscript number 11474, National Library of Iran.
- Abdul Razzaq Esfahani, Jamal al-Din, manuscript number 2051, Hagia Sophia, Turkey.
- Abdul Razzaq Esfahani, Jamal al-Din, manuscript number 9824, Central Library of the University of Tehran.
- Leectch, Geoffrey and m.shortstyle in fiction: A linguistic Introduction to English Fictional Prose. Londman. (1981)
- Majles (n.d.). Manuscript of War 900, with access number 900, anonymous scribe.
- Mirafzali, Ali (2003). Rubaiyat of Khayyam in Ancient Sources, Tehran: Academic Publishing Center.
- Monzavi, Ahmad (1971). Catalogue of Persian Manuscripts, Tehran: Regional Cultural Institute, Volume Three.
- Qanuni, Hamidreza (2003). Editing the Divan of Jamal al-Din Abdul Razzaq Esfahani, doctoral dissertation supervised by Jamshid Mazaheri, Isfahan: University of Isfahan, Faculty of Literature and Humanities, Department of Persian Language and Literature.



## doi سبک‌شناسی نسخه‌ای خطی موسوم به مجلس آرا در اخلاق و اربعینیات

ID الهام مؤمنی<sup>۴</sup>ID نسیم بیدبرگ<sup>۳</sup>

از صفحه ۱۹۲ تا صفحه ۲۰۶ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۲ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۵/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۱ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۷/۰۱

## چکیده

بر اساس و مبنای حدیثی از پیامبر اکرم (ص) که از طرف شیعه و اهل سنت روایت شده است، محدثان و دانشمندان اسلامی در تمام دوره‌های تاریخی به تدوین کتاب‌ها و رساله‌های بسیار در زمینه چهل حدیث‌گویی پرداخته‌اند. این سنت به‌منظور حفظ و ضبط چهل حدیث در موضوعات مختلف و گاهی با شرح و تفسیر انجام پذیرفته است. عناوین این کتب در طول دوره‌های مختلف تاریخی «چهل حدیث»، «اربعین‌گویی» و «اربعینیات» بوده است. متن حاضر در گروه اربعینیات طبقه‌بندی می‌شود با عنوان مجلس آرا که علی ابن مبقری آن را در اصل به زبان عربی تألیف و محمدمحسن شیرازی آن را در قرن دوازدهم به فارسی ترجمه کرده است. هدف پژوهش حاضر سبک‌شناسی زبانی نسخه خطی حاضر است. در این تحلیل و بررسی سبک‌شناسانه به سه مختصات آوایی، صرفی و نحوی پرداخته‌ایم و مصادیق هر بخش را برای دست یافتن به سبک مؤلف و در حقیقت مترجم گرد آورده‌ایم. روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است.

واژگان کلیدی: مجلس آرا، اربعینیات، سبک‌شناسی، مختصات زبانی

**Cite this article:** Bidbarg, Nasim; momeni, elham. (2022). The stylistics of a manuscript known as Majlis Ara in the subject of ethics and Arbainiyat. Journal of Codicology and Manuscript Research (JCMR) (In Persian: Pizhūhish/hā-yi nuskah/shināsī va taṣḥīḥ-i mutūn). vol-1, Issue-2, 192-206. <https://doi.org/10.22034/crtc.2022.350173.1021>

۳. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران - ایمیل: nasim.bd70@gmail.com

۴. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران - ایمیل: momenielham93@gmail.com



## ۱. مقدمه

اربعین نویسی سنتی است قدمت‌دار که بر اساس حدیثی به نقل از شیعه و سنی، بنا شده است. حدیث مذکور عنوان می‌کند که: «من حفظ علی امتی اربعین حدیثا مما يحتاجون الیه فی امری دینهم بعثه الله یوم القیامه فقیها عالما» (ابن بابویه، ۱۳۶۷ق: ۳۱۹)، (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۵۳/۲)، (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۳ق: ۹۵/۱). نسخه حاضر از جمله اربعینیات است که بر اساس چهل حدیث و در چهل مجلس موسوم به مجلس آرا است. اصل کتاب عربی بوده و مؤلف آن علی مقری و یا مبقری بوده است که محمد محسن شیرازی آن را به فارسی به دستور امام وردی بیگ حاکم شیراز به قرن ۱۱ ترجمه کرده است. نسخه، در حال حاضر مورد تصحیح واقع نشده است. هدف پژوهش حاضر سبک‌شناسی متن حاضر باتوجه به مختصات زبانی است و از آنجا که مختصات زبانی مقوله‌ای بسیار گسترده است سعی شده است با توجه به ساختار و سیاق متن به عناصر و مختصات برجسته سبک‌شناسانه، در سه لایه آوایی، صرفی و نحوی پرداخت.

## ۱-۱. پیشینه پژوهش

در باب موضوع مشابه با موضوع پژوهش حاضر، کتابی با عنوان اصلی طبیب القلوب و عنوان فرعی کهن‌ترین اربعین حدیثی شناخته شده و موجود در زبان فارسی اثر ابوالفتح محمد بن علی الخزیمی الفراوی از سوی بنیاد موقوفات افشار و انتشارات سخن انتشار یافته است. نسخه اصلی این کتاب در سال پانصد هجری به رشته تحریر در آمده است و از منظر تحولات زبان فارسی، تاریخ اجتماعی و تاریخ تصوف بسیار اهمیت دارد. مقاله‌ای با عنوان سنت اربعین نویسی و نسخه‌ای شریف در شرح چهل حدیث از عاشوری تلوکی در نشریه الهیات و معارف اسلامی به چاپ رسیده است نویسنده در این پژوهش ضمن تشریح سنت اربعین نویسی و معرفی آثار دیگر از این نوع همچون اربعین حافظ ابوبکر کلابادی، اربعین حاکم نیشابوری، اربعین حافظ ابونعیم اصفهانی و... به معرفی کتاب الاربعون حدیثاً از میر محمدزمان سمنانی پرداخته است.

## ۱-۲. ضرورت پژوهش

نسخه مجلس آرا کتابی ارزشمند با محوریت اخلاق با استناد به آیات و احادیث پیامبر (ص) و ائمه معصوم (ع) است، متن کتاب سرشار از آرایه‌های ادبی است و دارای نثری مستحکم و در عین حال ساده است. بنابراین بررسی سبکی این نسخه جهت معرفی زیبایی‌های لفظی و معنوی متن و شناساندن سبک نگارنده این متن کهن، به مخاطبان ادبیات ضرورت دارد.

## ۲. مبانی نظری پژوهش

در فرهنگ اصطلاحات ادبی سیما داد «سبک واژه‌ای اصلاً عربی و به معنی گذاختن زر و نقره است ولی ادبای اخیر سبک را به طور مجازی به معنای طرز خاصی از نظم و یا نثر به کار برده‌اند و تقریباً آن را در برابر «استیل» اروپاییان قرار داده‌اند. واژه فرنگی style از لغت لاتینی stilus مشتق شده است و آن نام ابزاری بوده که برای نقش کردن حروف و کلمات بر روی الواح مومی به کار می‌رفته است و مترادف لفظ قلم بوده است... در ادبیات، سبک روشی است که شاعر و نویسنده برای بیان موضوع خود برمی‌گزیند، یعنی سبک، شیوه گفتن است. شاعر و نویسنده به واسطه سبک، در تمام مراحل از انتخاب موضوع



گرفته تا نوع کلمات، لحن و سیاق تألیف عناصر گوناگون، تأثیر خود را بر اثر بر جا می‌نهد.» (داد، ۱۳۹۵: ۲۷۵).

«ادوارد براون سبک‌های نثر فارسی را سه نوع می‌داند: سبک ساده (عادی) (simple/، unornate)، سبک مرجز یا ایقاعی (cadenced) که وزن دارد ولی قافیه ندارد و می‌توان گفت از نظر شکل، مانند شعر سپید است و سبک مسجع یا مقفی که قافیه دارد ولی وزن ندارد.» (همان، ۲۸۰). درباره معنای اصطلاحی سبک در زبان‌شناسی و ادبیات باید گفت: «بر شیوه رفتارهای زبانی افراد اطلاق می‌شود، از دیرباز دگرگونی معنایی قابل توجهی داشته است. سخن‌گفتن، یک رفتار زبانی است که بنا به موقعیت اجتماعی، سن و جنسیت افراد، به گونه‌های مختلفی انجام می‌پذیرد. در تعریف زبان‌شناسان سبک عبارت است از «شیوه کاربرد زبان در یک بافت معین، به وسیله شخص معین، برای هدفی مشخص» (لیچ به نقل از فتوحی، ۱۳۹۰: ۳۴).

### ۳. معرفی نسخه‌های خطی مجلس آرا

با توجه به اطلاعات موجود در «فهرستگان نسخه‌های خطی ایران» (فنخا) و «دست‌نوشته‌های ایران» (دنا) هشت نسخه خطی از مجلس آرا در کتابخانه‌ها وجود دارد. «با توجه به اینکه نسخه کتابخانه قم - مرکز احیا و نسخه کتابخانه خوانسار یکی است» (درایتی، ۱۳۹۱: ۱۳۴) بنابراین تعداد هفت نسخه موجود است. ۱. نسخه شماره ۲۵۱۴، کتابخانه دانشگاه تهران، ۲. نسخه شماره ۳۶۵۲، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ۳. نسخه شماره ۱۷۳۸۱ ض، کتابخانه مجلس، ۴. نسخه شماره ۲۶۱، کتابخانه مسجد اعظم قم، ۵. نسخه شماره ۱۰۲۳۰، کتابخانه آیت‌الله مرعشی قم، ۶. نسخه شماره ۶۰۱۸، کتابخانه آیت‌الله مرعشی قم، ۷. نسخه شماره ۳۲۲، کتابخانه فاضل خوانسار

### ۴. تحلیل نسخه

#### ۴-۱. تحلیل و بررسی ساختاری و محتوایی نسخه

متن حاضر، چهل مجلس است «گرچه واژه اربعین چهار بار در قرآن به کار رفته است (سوره بقره/ ۵۱، مائده/ ۲۶، اعراف/ ۱۴۲ و احقاف/ ۱۵)؛ اما به نظر می‌رسد پیدایش این اصطلاح و اشتها آن، بیش از هر چیز، مرهون حدیثی مشهور «من حفظ علی امتی اربعین حدیثا...» یا حدیث مشهور «من اخلص لله اربعین صباحا...» باشد. (متقی هندی، ۱۳۹۹ق: ۲۴/۳)» (عاشوری، ۱۳۸۳: ۱۶۷). در هر مجلس به اصلی از اخلاق می‌پردازد و برای شروع کلام در اصل اخلاقی، به آیه و حدیثی متوسل می‌شود. متن ابتدا در هر مجلس به نقل چندین حدیث از یکی از امامان معصوم می‌پردازد و سپس به تفسیر و تفصیل آن احادیث می‌پردازد و بعد از آن با سیر، تواریخ و قصه‌هایی که در زمان بنی اسرائیل هم مضمون با آن تأویل و حدیث بوده است، بحث را با قصه و حکایتی از دوره بنی اسرائیل ادامه می‌دهد و به گونه‌ای رمزگشایی می‌کند تا مورد فهم مخاطب عام قرار گیرد. هر مجلس دارای چندین حدیث است که با عبارت عربی «روی» در معنی روایت کرد با ذکر راوی ادامه می‌دهد. بعد از بیان حکایت، به بیان آیه‌ای هم مضمون و ناظر به همان حدیث و حکایت می‌پردازد: «که چنانچه آیه کریمه الصابرين فی الباساء و الضراء و حین البأس اولئک الذین صدقوا اولئک هم المفلحون بر آن ناظر است.» (شیرازی، ۱۲۶۰ق: ۳۰).



اشعار در متن حاضر به سیاق کتب کهن چون نفثه المصدور، عبارت‌های شعری را با بیت و یا «ع» مشخص می‌کند. «ع در خانه اگر کس است یک حرف بس است» (شیرازی، ۱۳۶۰: ق: ۳۵).

#### ۲-۴. تحلیل و بررسی متن

در بررسی سبک‌شناختی نسخه حاضر از منظر زبانی به متن پرداخته شده است. از آنجا که سطح زبانی مقوله گسترده‌ای است، از این‌رو آن را به سه سطح کوچک‌تر آوایی، لغوی و نحوی تقسیم می‌کنیم. در بررسی و تحلیل مباحث دستوری مبنای تحلیل کتاب دستور زبان فارسی دکتر وحیدیان کامیار است و در مباحث نظری و سبک‌شناسانه از کتاب دکتر فتوحی و استاد بهار بهره گرفته‌ایم.

#### ۳-۴. مختصات آوایی (تخفیف یا سبک‌سازی)

«چنان که مرغ مقید پرفن فتد در قفس ماهی بجز از آستین بیضا نشان از حضرت کلیم‌الله منزلی نیافت» (شیرازی، ۱۳۶۰: ق، ۲۱). فتد مخفف افتاد که با گشتار جابه‌جایی حذف مواجه است. «لهذا اکتفا به همی قدر شد» (همان، ۳۴) همی منظور همین قدر است در معنای همین اندازه که حذف و تخفیف «ن» انجام شده است.

#### ۴-۴. مختصات صرفی و واژگانی

در بررسی ویژگی‌های صرفی هرگونه برجستگی در سطح واژگان در متن حاضر مورد نظر و بررسی است. کاربرد واژگان عربی، اصطلاحات و واژگان، اصطلاحات اخلاقی که در دوره مورد نظر با توجه به موضوع متن که در حوزه اخلاق است، و کاربرد داشته است، مدنظر قرار گرفته است. دکتر فتوحی در بخش لایه‌های واژگانی سبک عنوان می‌کند که «واژه‌ها در گذر تاریخ نیرومند می‌شوند؛ گاهی دوباره زنده می‌شوند و تغییر معنی می‌دهند. واژه از نظر ویژگی‌های ساختمانی، گونه‌های دلالت و مختصات معنایی بسیار متنوع‌اند. انبوهی هر یک از طیف‌های واژگانی در متن‌های ادبی و کاربردهای زبانی، زمینه تنوع سبک‌ها را پدید می‌آورد از این‌رو برای سبک‌شناس کاربردهای برجسته، معنادار و نقش‌مند یک نوع واژه یا یک طبقه واژگانی در متن اهمیت دارد.» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۴۹-۲۵۰). با توجه به سخنان دکتر فتوحی، برای تشخیص سبک‌شناسانه واژگان از روی نوع واژه، نوع دلالت حسی یا ذهنی را تشخیص می‌دهیم و صفت سبک را که می‌تواند محسوس یا انتزاعی باشد و نوع سخن را که می‌تواند داستانی یا فلسفی باشد تشخیص می‌دهیم. به همین ترتیب شفافیت، عام و خاص بودن، ارجاع، نشان‌داری، بافت، ابداع و رمزگان را نیز می‌توان از سیاق متن دریافت. متن مورد نظر با توجه به این که از روی یک متن عربی ترجمه شده است سرشار از واژگان عربی است. در بخش صرفی واژگان عربی را می‌توان در جمع‌های مکسر عربی در فارسی، کاربرد علامت‌های جمع «ان»، «ین»، «ات»، کلمات ال دار، کلمات با تاء تأنیث و سایر مشخصات واژگان عربی دسته‌بندی کرد.



«جدول زیر فهرستی از انواع دلالت واژه‌ها را ارائه می‌دهد.» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۵۰).

نوع سخن	صفت سبک	نمونه	نوع واژه	نوع دلالت
داستانی فلسفی	محسوس انتزاعی	ارض تقدس و تنزه	عینی ذهنی	حسی / ذهنی
حسی شفاف ذهنی	روشن کدر	حضرت آدم شفاعت	روشن تیره	شفافیت
کلی‌نگر مصدافی	ذهن‌گرا تصویرگرا	مرغ ---	اسم جنس اسم نوع	عام / خاص
علمی ادبی	عین‌گرا کنایی و استعاری	جنت صبح صادق	صریح ضمنی	ارجاع
رسمی شخصی	درجه صفر سبک ارزش‌گذار	هوی و هوس طاووس فردوس	بی‌نشان نشان‌دار	نشان‌داری
آموزشی گفتگوی خودمانی	رسمی محاوره‌ای	مسلک تنگنای معده	رسمی محاوره‌ای	بافت
گفتار روزانه شعر	عادی نوگرا	— مسلوخ نما	عادی ابداعی	ابداع
تخصصی زبان همگانی	گفتمانی عمومی	صدقه / حدیث بیت الاحزان	تخصصی عمومی	رمزگان

#### ۴-۵. واژگان ذهنی

بر اساس جدول حاضر عدل، اخلاق، مکارم، معدلت، رأی، ظلمت، عدالت همگی ذهنی‌اند و صفت سبکی انتزاعی را به همراه دارند که نوع سخن را فلسفی و اخلاقی می‌کند. «مجلس اول است در بیان این که کسی که بدی درباره مسلمانی می‌کند، خود بدان بدی می‌رسد جمع و تألیف این مجموعه مکارم اخلاق است به حلیه انجام بکسوت اتمام در زمان پادشاهی درآمد که بساط عالم بنور عدل شاملش روشن گشته و بسیط عرصه خاک از سحاب معدلت کاملش شاداب و سر به‌زیر آمده، رأی نیرش به‌موجب «انّ الله یامر بالعدل الاحسان» زنگ ظلمت از آینه صفحه روزگار زدوده و عزم مستقیمش بحکم «السلطان العادل ظلّ الله» پرتو عدالت بر فرق جهانیان گسترانیده.» (شیرازی، ۱۳۶۰: ۱۴). «شهابیست ثاقب که به قصد عدوی دیوسیرت در خانه کمان به کمین نشست» (شیرازی، ۱۳۶۰: ۱۵). ارجاع واژگان در این مصداق همگی ضمنی و در صفت سبکی کنایی و استعاری هستند و سیاق و سبک متن را ادبی می‌کنند.



## ۴-۶. استعمال واژگان عربی

واژگان عربی در القاب و اسامی، احادیث، آیات و نیز عبارات عربی که در متن فارسی حل و تضمین شده‌اند، کاملاً مشهود است. هرچند مترجم تمام سعی خود را کرده که معادل‌هایی فارسی برای عبارات عربی جایگزین کند؛ اما بازهم حضور واژگان عربی را می‌توان در جای‌جای متن دید و بسامد واژگان عربی در متن بسیار است این استعمال در واژگان و در بخش صرفی در جمع‌های مکسر و غیر آن، در مطابقت‌های صفت و موصوفی و استعمال واژگان همراه با حرف تعریف ال که نشان از معرفه بودن در سیاق عربی است پرتکرار است. «آفتاب سپهر دولت و اقبال سایه رحمت قادر ذوالجلال اولاد ائمه طاهرین مصداق کریمه رحمة للعالمین السلطان بن السلطان خاقان شاه سلیمان الصفوی بهادرخان ابدالله تعالی علی العالمین انوار رحمة لا زال اعلام رفعت» (همان، ۱۶). اولاد و انوار و اعلام بر وزن افعال جزو جمع‌های مکسر عربی است. طاهرین، العالمین که با این عربی جمع بسته شده است. کلمات که همراه "ال" آمده‌اند. السلطان، الصفی که در زمره اسامی قابل دسته‌بندی است. «که از تازه ریحان این هفت چمن اعنی حضرت امام حسن العسکری (ع) استدعا نمودم که مرا مخبر سازید» (همان، ۱۷). «عناکب خمول و نسیان در آن خرابه نسأجی کرده عساگر مور و مگس به حصار قلعه شکسته تنش هجوم نموده» (همان، ۲۸) «عناکب و عساگر بر وزن افعال عربی است. «مرا از این الم رهاند» (همان، ۲۹).

## ۴-۷. عطف کلمات فارسی و عربی

در متن حاضر با بسامد فراوانی از واژگان عطفی با واو مواجهیم این ترکیبات بیشتر در توصیفات کاربرد یافته‌اند و استعمال این مترادفات در دو واژه غیر مرکب و ساده عربی و فارسی است. «پادشاه بنده نواز آیا تو صلاح و مباح گردانیده غصه و الم این کربت عظیمه بر ساحت خاطر ایشان بعد از آن گفت: خدایا عطا کن به من فرزندی که در شباب و جوانی او را دریابم و بگردان او را...». (همان، ۱۸). «در کلفت و مشقت دنیوی ساخته به جزع نیامده به شکرانه ابتلا و امتحان سر از سجده طاعت و خوشنودی» (همان، ۲۰).

## ۴-۸. استعمال جمع‌های عربی

### ۴-۸-۱. جمع‌های مکسر

دکتر کامیار دربارهٔ جمع‌های مکسر و سایر جمع‌های عربی عنوان کرده‌اند: «برخی از واژه‌های عربی به دو صورت مفرد و جمع وارد زبان فارسی شده‌اند؛ گاهی مفرد واژه‌ها را با (ها/ان) جمع می‌بندند و گاهی نیز جمع عربی آن، یعنی صورت مکسر را به کار می‌برند. جمع مکسر دو گونه است: الف) با تغییر مصوت‌ها بدون افزایش و کاهش صامت‌ها، مثل: کتاب ← کتب، ب) با تغییر مصوت‌ها همراه با افزایش و کاهش بقیه واج‌ها، مثل: امر ← امور، وزن‌های معروف جمع مکسر عربی که در فارسی کاربرد بیشتری دارند، عبارت‌اند از: افعال، فُعلول، فعل، فعالی، فعال له، و...» (کامیار، ۱۳۹۹: ۷۶). «چون ملائکه در خلقت حضرت آدم (ع) دیده بودند» (شیرازی، ۱۹). ملائکه جزو جمع‌های معروف جمع مکسر عربی است که در فارسی کاربرد دارند. ملک = ملائکه بر وزن فعال له. «پس وسعت دادیم ایشان را و صحیح گردانیدم ابدان و اجسام



ایشان را که اگر غیر این حال را به ایشان افاضه کنیم از دین بیرون روند» (شیرازی، ۲۴). ابدان و اجسام جزو وزن‌های معروف جمع مکسر عربی در فارسی که کاربرد بیشتری دارند بر وزن افعال، جسم = اجسام، بدن = ابدان

#### ۲-۸-۴. جمع‌های عربی با نشانه‌های مخصوص عربی

«ات این نشانه جمع مختص واژه‌های عربی از قبیل مصدر، اسم فاعل، اسم مفعول و و صفت مختوم به تاء تانیث است... این، این نشانه مخصوص واژه‌های عربی (غالباً اسم فاعل و اسم مفعول) است که در فارسی به کار می‌روند، ون: این نشانه نیز با چند واژه منسوب عربی می‌آید: روحانیون» (کامیار، ۱۳۹۹: ۷۴ و ۷۵). «که حدقتین خود را که مظهر مرآت صفات احدیت است» (شیرازی، ۲۲). «سلاله دودمان شفیع مذنبین حضرت امام جعفر صادق ع مروی است» (همان، ۲۷). «نام او را در صفحه صدیقین نزد خود ثبت نمایم» (همان، ۲۹). «این حکایت اشاره است به آنکه راضی شدن به مشیت و اراده الهی و گردن گذاشتن به طوق مقدرات سبحانی» (همان، ۳۰).

#### ۹-۴. عطف با واو در گروه اسمی

بیشتر عطف‌ها در گروه اسمی با واو انجام شده است و بسامد آن در متن بسیار است و شاید بتوان علت این عطف‌ها و مترادف‌های مکرر عربی و فارسی را به ترجمه بودن متن فارسی نسبت داد که مترجم با آوردن این عطف‌ها و مترادف‌های فارسی در کنار واژه عربی سعی برای فهم بیشتر متن از سوی خواننده را داشته است. «بعضی از بندگان صلاح ایشان در خواب و استراحت است و اگر اراده‌ی بیداری شب کنند و به تهجد و نماز شب مشغول شوند و کبر و عجب در نفس ایشان بهم خواهد رسید که اعمال ایشان را نابود و ضایع سازد و از دین منحرف شوند پس خیر ایشان از آن است که نعاس و خواب را بر ایشان غلبه سازیم.» (شیرازی، ۲۴).

#### ۱۰-۴. آوردن کلمات غریب

این کلمات بیشتر عربی و برای فارسی‌زبانان ثقیل است و متن را به سمت و سوی سبک فنی که دارای کلمات عربی با آیات و احادیث و ابیاتی در موضوع احادیث است پیش می‌برد اما سبک و متن روان و قابل فهم است و نمی‌توان آن را در زمره نثر فنی به حساب آورد. «گرما به من غلبه نمود به حیثیتیکه از شدت حرارت قدمهای از حرکت بازمانده...» (شیرازی، ۲۵) «و با استرضای او اضطجاع نمود» (همان، ۲۲) «پس در آن مرتبه مقوضه صبر و شکر می‌باید نمود» (همان، ۲۴) «تسعیر اجناس به نوعی بالا گرفت که دست نقود بر دامنش نرسیدی» (همان، ۳۴) «بی برگی و عسرت آن شب تا صبح از کثرت جوع نقنود در عالم سنه دید» (همان).

#### ۱۱-۴. استعمال صفت تفضیلی

استعمال دو صفت تفضیلی مکرر پشت سر هم که در تفضیلی بودن از هم تبعیت می‌کنند. دکتر ابوالقاسمی در باره صفت‌های تفضیلی آنها را به دو بخش صفت تفضیلی قیاسی و صفت تفضیلی سماعی تقسیم کرده است. «صفت‌های تفضیلی قیاسی در فارسی دری، از صفت مطلق با پسوند «-تر» (فارسی میانه زرتشتی tar-) ساخته می‌شوند» (ابوالقاسمی، ۱۳۹۸: ۶۴).



«تجلیات بدایع است نیکوتر دلپسندیده تر است» (شیرازی، ۱۲۶۰ ق، ۲۳). دسته دوم از صفات تفضیلی «صفت‌های تفضیلی سماعی دخیل و آنها اسم‌های تفضیل عربی اند که در فارسی به عنوان صفت تفضیلی به کار می‌روند: افضل، اشهر، اعظم، اولی» (ابوالقاسمی، ۱۳۹۸: ۶۵). «جسارت و جرأت به طلب نمودن اولی است» (شیرازی، ۱۲۶۰ ق: ۲۶). «که این بی بصیرت بودن اولی است و آلا افاضه ما بر جمیع خلایق عام است» (همان)

#### ۱۲-۴. استعمال صفت جانشین موصوف

«موجب کریمه ادعونی استجب لکم سوال صادر و به سرعت اجابت پیوست» (شیرازی، ۱۲۶۰ ق: ۲۶). منظور از صفت کریمه، آیه کریمه است که آیه در آن حذف و صفت جانشین موصوف شده است.

#### ۱۳-۴. استعمال واژگان عربی به همراه "ال"

از آن جا که متن ترجمه‌ای از یک متن عربی است استعمال این واژگان به صورت معرفه به ال از مختصات واژگانی پرتکرار متن مورد پژوهش است. «تلاطم آمده تراوش اشک چشمش از عین النبى ظاهر شد گفت» (شیرازی، ۱۲۶۰ ق: ۲۵). «آنچه لایق بحال هرکس از وجود فیاض الجود خود افاضه کرده ایم» (همان). «تا ضراب عنایت چهره اعمال ترا در دار الضرب هدایت به سکه قبول بیاراید» (همان، ۲۷).

#### ۴-۱۴. مختصات نحوی

درباره این که نحو و جملات به چه چیزی پرداخته می‌شود دکتر فتوحی عنوان می‌کند «کیفیت نظم واژه‌ها در جمله (نسبت نظم پایه و جابجایی در ساختار نحوی)، ساختمان جمله‌ها (ساده، مرکب، پیچیده، پیچیده مرکب)، طول جمله‌ها (بلندی و کوتاهی)، ساخت و نقش معنایی جمله‌ها (خبر و ابلاغ، پرسش، امر، ندا، تعجب) و...» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۶۸).

#### ۴-۱۵. درج و تضمین آیات و اشعار فارسی

عبارات عربی موجود در سیاق جملات همگی برگرفته از حدیث و آیه‌های قرآنی است که در متن حل و درج شده‌اند. «چنانکه مرغ مقید پرفتن در قفس ماهی بجز از آستین بیضا نشان از حضرت کلیم الله منزلی نیافت که طور سینین و هذا البلد الامین در او شناخته منزل و مأوی نمود که فادخلوها بسلام آمین» (شیرازی، ۲۰). در بخش حکایات هر مجلس که قصه‌هایی از بنی اسرائیل عنوان می‌شود درج و تضمین آیات قرآنی دیده شده است. «شب همه شب چون شمع افروخته با دل سوزان اشکباران پروانه صفت در تمنای قبول عبودیت مضطرب و سرگردان تا روز وقتی که زاهد سفید لباس صبح صادق در سراپرده و الصبح اذا تنفس سجاده آفتاب در پیش محراب افق می‌گسترانید و صوفی سیاه پوش شب در خلوتخانه و اللیل اذا عسعس قرار می‌گرفت» (شیرازی، ۲۰). «چرخ با زبان حال تکلم نمود که یا نبی الله اکل عینیک ام لا ترضی یعنی آیا بخورم و رزق خود بسازم هردو چشمانت یا یکی را رزق خود سازم و یکی دیگر را به تو واگذارم» (شیرازی، ۲۲).

در درج و تضمین اشعار فارسی نیز مانند آیات در متن حل می‌شوند گویی که جزوی از خود متن هستند. «چون شراره آتش طینت اصلی است با طینت اصلی چه کند بدگهر افتاد» (شیرازی، ۲۶). «پس به فرموده الهی چنان کرد و مردم چشمش به



تشریف و جعلنا له نورا سرافراز گردید» (شیرازی، ۱۳۶۰: ق: ۲۶).

#### ۱۶-۴. مطابقت صفت و موصوف

دکتر سیروس شمیسا مطابقت صفت و موصوف را جزء مختصات نحوی بررسی می‌کند که البته ما در اینجا شاهد دو نوع مطابقت هستیم، مطابقت اول بر سیاق عربی است «مطابقت صفت و موصوف از خصایص عرب است و در فارسی هیچ‌وقت معمول نبوده است- جز که در میان متقدمین از قرن ششم که نثر فارسی سخت از نثر عرب متأثر گردید، جسته‌جسته این معنی دیده می‌شود و بار اول در چهار مقاله این مطابقت بیشتر دیده شد» (بهار، ۱۳۹۱: ۳۰۶). «پادشاه بنده نواز آیا تو صلاح و مباح گردانیده غصه و الم این کربت عظیمه بر ساحت خاطر ایشان.» (همان، ۱۸). «که به خلعت فاخره نبوت ایشان لایقند» (شیرازی، ۱۳۶۰: ق: ۱۹). «که اگر ملائکه را این قوای جسمانی فیض شود تاب و طاقت اینگونه ابتلاهای شدید و مصایب عظیمه نیاورده...» (همان، ۲۰).

و مطابقت دوم طبق نظر دکتر شمیسا «تحت تاثیر زبان پهلوی است و با مطابقت صفت و موصوف که به تقلید از زبان عربی بعدها معمول شد فرق می‌کند. به صفای دل رندان صبحی زدگان / بس در بسته به مفتاح دعا بگشایند» (شمیسا، ۱۳۹۳: ۳۲۴). «همه شب چون شمع افروخته با دل سوزان اشکباران پروانه صفت...» (شیرازی، ۱۳۶۰: ق: ۲۰) در باره صفت صفت «برخی از صفت‌ها، صفت‌های همراه خود را بیشتر معرفی می‌کنند و درباره اندازه و درجه آنها توضیح می‌دهند. این صفت با صفت همراه خود یکجا وابسته هسته می‌شود.» (کامیار، ۱۳۹۹: ۸۸).

#### ۱۷-۴. استفاده از قیود عربی به جای فارسی

دکتر شمیسا معتقد است که «مصحح باید توجه داشته باشد که در زبان قدیم فارسی به جای برخی از قیود فارسی، معادل عربی آن‌ها مرسوم بود مثلاً به جای سخت، صعب می‌گفتند.» (شمیسا، ۱۳۹۳: ۱۳۰). «چون حضرت عیسی علی نبینا آن مخدره سراپرده محنت و بلا را چنان دید» (همان، ۲۸). «لهذا اکتفا به همی قدر شد» (همان، ۳۴).

#### ۱۸-۴. استفاده از افعال پیشوندی

اگر به اول بعضی از فعل‌های ساده یک «وند» افزوده شود، تبدیل به فعل پیشوندی می‌گردند. این قاعده قیاسی نیست. تک‌واژه‌های «بر، در، باز، فرو، فرا، پس، ورا، ورا» اگر پیش از فعل ساده بیایند و معنی آن را تغییر دهند یا نه فعل پیشوندی می‌سازند گاهی این پیشوندها در معنای فعل ساده تأثیر می‌گذارند و فعلی با معنای جدید می‌سازند.» (کامیار، ۱۳۹۹: ۵۷). «قص آن دارد که تن این ضعیف را به سر پنجه قوی در تصرف درآورد و بنیان وجودم را متفرق ساخته در تنگنای معده جای دهد. مقارن این مقال چرخ از فلک پدید گشت و آن مقهور مضطرب فرصت غنیمت دانسته، به پرواز درآمد» (شیرازی، ۲۱). در این مصداق می‌توان «درآورد» را فعل پیشوندی با معنای جدید به حساب آورد. «وحی الهی در رسید که در فلان بیابان شتاب که ما را دوستی است در آن مقام اورا دریاب حضرت عیسی به موجب امر الهی متوجه آن مکان گشته زنی را دید که بدو زانو درآمده...» (همان، ۲۷).



## ۱۹-۴. استعمال افعال قدیمی

به کاربردن افعال با یای استمراری به صورت کهن و قدیمی در متن حاضر مرسوم است. دکتر بهار در ذیل اصطلاحات و لغات کهنه «الحاق یاء استمراری بر افعال» (بهار، ۱۳۹۱، ج ۲: ۱۳۷) را ذکر کرده است که در قدیم کاربرد داشته است. «اگر چشم داشت می از حرام پر کردمی و قیامت پر از آتش دوزخ دیدمی و اگر دست داشت می به لقمه حرام آلوده کردمی و جزای او را در روز حساب یافت می و اگر پا داشت می از عقب لذات و شهوات نفس رفت می و عقاب او را در پی دید می» (شیرازی، ۱۲۶۰ ق: ۲۹). «سه روز مرا از قوت سیر گردانی و مرض جوع از من ستانی» (همان، ۳۰). همین گونه استعمال فعل «ستانی» در معنی گرفتن و اخذ کردن با کار برد قدیم است. فعل قدیمی بود نیز در این متن بکار برده شده است. «و الا روزی مقدر خودستانم آنجا که شیوه مروّت و فتوّت بود» (شیرازی، ۲۲).

## ۲۰-۴. استعمال فعل در خارج از جایگاه خود بر سیاق نحو عربی

«تفسیر کلام ربّانی آن است که به یاد آر زمانی که گفت پروردگار تو ملائکه را که می گردانم در زمین خلیفه ایشان، گفتند آیا می گردانی کسی را در ارض خلیفه که افساد کند و بریزد خون مردمان را به ناحق و حال آنکه ما تسبیح و تهلیل تو می کنیم» (شیرازی، ۱۶). می گردانم در ابتدای جمله آمده است و دارای گشتار جابجایی است، ایشان را در زمین خلیفه می گردانم. به همین سیاق می گردانی نیز در ابتدای جمله آمده است در صورتی که در ترتیب جملات فارسی فعل در انتهای جمله می آید. چون اصل متن ترجمه است. مترجم لفظ به لفظ را ترجمه کرده است. «تا آنکه دفع کند حق تعالی شربلیه که نازل گردد در آن روز از آسمان بر زمین مگر آنکه نگاه میدارد حق جلّ شانه و او را از شرّ بلیات آن روز» (شیرازی، ۳۱). فعل مرکب «نگاه می دارد» باید در انتهای جمله بیاید اما بعد از ربط مگر آنکه آمده است و دارای گشتار جابجایی است.

## ۲۱-۴. استعمال ماضی بعید و نقلی

«چون ملائکه در خلقت حضرت آدم (ع) دیده بودند و یا از جناب اقدس شنیده بودند که بنی آدم در ارض فساد خواهند کرد و لهذا زبان طعن و سرزنش «من یسفک الدماء» گشوده، جسارت و جرأت بدان نمودند؛ پس ممکن است که غرض الهی آن بوده باشد که انبیاء را در معرض امتحان درآورد.» (شیرازی، ۱۹). دیده بودند، شنیده بودند، ماضی بعید که از صفت مفعولی + بود + شناسه = تشکیل شده است اما خواهند کرد در ادامه جمله و با شروع بند موصولی بعد از که خواهند کرد به زمان آینده آمده است. فعل گشوده باید همان ماضی بعید باشد که بودند آن به قرینه لفظی ابتدای جمله حذف شده است. نمودند هم نموده اند ماضی نقلی است بدون بیان نهاد که به ملائکه در ابتدای جمله برمی گردد و شناسه آن است و بوده باشد نیز ماضی التزامی است که از صفت مفعولی + باشد تشکیل شده است و درآورد فعل پیشوندی است که نهاد آن محذوف و دارای شناسه "د" است که به خداوند برمی گردد. در عبارت بالا که بنا بر ماضی بعید است، یک بار ماضی نقلی آورده، یک بار آینده و یک بار فعل پیشوندی آورده است.

**۲۲-۴. استعمال افعال به صورت وجه وصفی و حذف شناسه به قرینه**

دکتر کامیار معتقدند که «اگر دو یا چند جمله پی هم بیایند و نهاد آنها یکی باشد، فعل جمله یا جمله‌های غیر پایانی را می‌توان به صورت صفت مفعولی آورد که آن را فعل وصفی می‌نامیم. کاربرد فعل وصفی زیاد نیست. فعل‌های وصفی از نظر شخص، زمان، وجه تابع فعل جمله آخر هستند» (کامیار، ۱۳۹۹، ۴۶). «زیرا که ایشان به اغوای شهبانی و غضبی در مقام مجادله برآمده، اعظم اعدای نفس را شکست داده، مطیع و منقاد فرمان بردار عقل ساخته‌اند در مرتبه آلام جسمانی و نفسانی صبر نموده در کلفت و مشقت دنیوی ساخته به جزع نیامده به شکرانه ابتلا و امتحان سر از سجده طاعت و خوشنودی برنداشته، لمحہ مخالفت امرالهی نمودند مدت‌های مدید با این مصایب ساخته و به زبان بٹ شکوه آلوده نکردند» (شیرازی، ۱۹). برآمده، شکست داده، مطیع ساخته‌اند، فعل‌های وصفی که وجه تابع فعل آخر جمله هستند و صبر نموده، ساخته نیامده، برنداشته، نمودند، ساخته، تابع فعل آخر جمله آلوده نکردند آمده است. «روی نخشیع آفتاب وار از زمین برنمی- داشت و صیت عبادت او چون نور آفتاب منتشرگردیده، آوازه بندگی او از حجاز راه راست به عراق و اصفهان به گوش بزرگ و کوچک رسیده.» (شیرازی، ۲۰). البته در این عبارت گروه فعلی است و فعل ربطی است به قرینه معنوی حذف شده است. «حضرت عیسی علی نبینا چون نزدیک چشمه رسید دید که یک طفلی چشم از جهان پوشیده و دیده از نعیم دنیا بردوخته و چون شمع از سوز درون در آتش دل سوخته چشمه از عینش نهان چون عیب خود در خود پنهان لباس ایشان را به دامن خود گرفته» (شیرازی، ۱۲۶۰ ق: ۲۵).

اغلب وجه‌های وصفی در آغاز حکایت‌ها استعمال می‌شود اگرچه در باقی متن نیز پر استعمال است اما در حکایت‌ها معمولاً بدون قرینه در آخر جمله به صورت وجه وصفی استعمال می‌شود و کاربرد روایت‌گونه حکایت را تقویت می‌کند.

**۲۳-۴. معنی عبارات عربی در کنار عبارات فارسی در حکایات**

در حکایات موجود در متن که از جمله اسرائیلیات است در حین آوردن عبارت عربی در کنارش بلافاصله عبارت فارسی و معنی آن آورده شده است. شاید کاربرد این روش در حکایات برای وضوح بیشتر حکایت است. «حضرت کلیم الله فرمودند: «ممن تخاف» یعنی از که می‌ترسی؟ و از که خوف داری؟ «قال من الصفرا» از شاهبازی که نسر طایر فلک از آسیب چنگال او پنهان...» (شیرازی، ۱۲۶۰ ق: ۲۱). «چرخ با زبان حال تکلم نمود که یا نبی الله اکل عینیک ام لا ترضی یعنی آیا بخورم و رزق خود بسازم هردو چشمانت یا یکی را رزق خود سازم و یکی دیگر را به تو واگذارم» (همان، ۲۲).

**۲۴-۴. رعایت صنعت النظیر در جملات**

«از شاهبازی که نسر طایر فلک از آسیب چنگال او پنهان و زاغ زرّین شب از وحشت سر پنجه او گریزان، به وقت گرسنگی حمل و جدی از مزارع آسمان ربودی و هرچند که مریخ شبان او بودی» (همان، ۲۱). واژگانی چون شاهباز، نسر، چنگال، زاغ، سرپنجه، با هم در یک دسته معنایی و واژگانی چون: فلک، شب، حمل و جدی، مریخ در یک دسته معنایی هستند.



## ۲۵-۴. استفاده از وجه التزامی

«دست ستم و پنجه خود را به خون این ضعیف میالا و خونابه از دیدگان میالا.» (شیرازی، ۱۳۶۰، ق، ۲۱). از جمله ویژگی‌های فعل وجه آن است دکتر کامیار آن را پنجمین ویژگی فعل می‌داند و عنوان می‌کند «تلقی گوینده یا نویسنده از جمله یعنی مسلم و نامسلم بودن یا امری بودن و نبودن فعل را وجه گویند. در زبان فارسی امروز سه وجه اصلی اخباری، التزامی و امری وجود دارد... وجه امری دو ساخت بیشتر ندارد دوم شخص مفرد، دوم شخص جمع امر مفرد دارای شناسه تهی است و امر جمع شناسه «ید» دارد. اگر فعل امر منفی شود آن را «نهی» می‌نامند. منفی شدن آن در زبان امروز با «ن» که به جای «ب» می‌آید، صورت می‌گیرد: تکواژ «م» برای منفی ساختن فعل امر مخصوص زبان ادبی است» (کامیار، ۱۳۹۹: ۵۵). در میالا فعل به وجه التزامی منفی آمده است از مصدر آلودن امر ← بیالا، نهی ← میالا

## ۲۶-۴. استعمال پیشوندهای کهن

«که سخاوت کیفیت است نفسانی و میلی است بذل مرخداوند استحقاق را این طیر ضعیف متضمن چه استحقاق است» (شیرازی، ۱۳۶۰، ق: ۲۲). مر به معنی برای کاربرد کهن دارد.

## ۲۷-۴. استعمال جملات با کلمات موصول و ربط

«سبک نثر نیز می‌تواند منفصل (paratactic) یا متصل (hypotactic) باشد. در سبک منفصل اجزاء یک جمله یا جملات مختلف در پی هم می‌آیند بی‌آنکه با حرف ربط یا موصول به هم وصل شده باشند... در سبک متصل یا تبعی، جملات مختلف یا بخش‌های یک جمله به وسیله موصول، کلمات ربط یا کلماتی مثل «برای آنکه»، «به خاطر»، «زیرا» و غیره به یکدیگر وصل می‌شوند. این خاصیت را در اصطلاح تبعیت می‌گویند.» (داد، ۱۳۹۵: ۲۸۱). جملات در متن حاضر طولانی و در بخش روایت حکایت‌ها و بیان اسراییلیات سبک روایت گونه و جملات توسط موصول و یا ربط که به هم متصل می‌شوند و جمله را طولانی می‌کنند. از جمله مصادیق حروف ربط «که» و سایر موصولات در متن حاضر «اسناد مذکور از شمع مجلس - افروز هادی عرب و عجم سلاله دودمان شفیع مذنبین حضرت امام جعفر صادق (ع) مروی است که آن حضرت فرمودند آن زمانیکه حق سبحانه و تعالی وحی فرمود به حضرت موسی بن عمران که یا موسی بن عمران خلق نکردم خلقی را که دوستر باشند نزد من از بنده که متصف باشد به ایمان پس به تحقیق که من به محک امتحان و ابتلا در نمی‌آورم او را مگر بی‌خبری که خیر از برای او باشد و منع و سلب میکنم ازو خیری را که خیر از برای او باشد.» (شیرازی، ۱۳۶۰، ق: ۲۷).

## ۲۸-۴. استعمال جملات معطوف بی‌نهاد

دکتر کامیار دربارهٔ جمله‌های بی‌نهاد عنوان می‌کند که: «این جمله‌ها را از آن رو بی‌نهاد می‌نامیم که نهاد اجباری نمی‌گیرند، البته فعل این جمله‌ها از نظر ساخت با شناسهٔ سوم شخص مفرد (-Ø/د) می‌آید ولی چون همیشه ثابت است ارزش شناسه ندارد.» (کامیار، ۱۳۹۹: ۲۶). «ای عزیز بدان که رضا خوشنودی از حق تعالی است من کل الوجوه و آن در وقتی متحقق می‌گردد که احوال مختلفه مانند صحت و مرض و فقر و توانگری و حیات و ممات در نزد او مساوی بوده باشد و صدور آن از جانب حق سبحانه و تعالی بدانند و رضای حق تعالی از بنده گاهی حاصل میشود پس باید که بر مصایب و ابتلاء اوصبر نماید و اما نه از روی اضطراری بی‌فائده است پس نفس را راضی به صبر باید نمود که تا در روز موعود از جمله صابران



باشد و از طائفه مقربان و صدیقان بارگاه احدیت شود.» (شیرازی، ۱۳۶۰ ق: ۲۷). ای عزیز بدان که، نهاد جمله تو محذوف است، «ساختمان چنین جمله‌هایی بعد از فعل بی نهاد، مصدر مرخم (=بن ماضی) فعلی دیگر می‌آید.» (همان، ۲۶). فعل + مصدر مرخم = باید نمود، جمله بی‌نهادی است که با واو عطف به جمله‌های قبلی معطوف است. و بقیه افعال چون «باشد»، «شود»، «صبر نماید» دارای شناسه سوم شخص مفرد (-د) هستند.

#### ۲۹-۴. استعمال جملات خارج از ترتیب اجزاء جمله

«بعضی از راه قطع نمودم دیدم که دختر آن زن را شیری به او رسید او را درهم درید و در آن صحرا انداخته روانه گردید که گفتم سبحان الله که آن پیرزن عابده به آرزوی خود رسیده تیر دعایش به اجابت پیوست» (شیرازی، ۱۳۶۰ ق: ۲۹). ترتیب معمول جمله این است: شیری به دختر آن زن رسیده و او را درهم درید. شیری-نهاد، به دختر آن زن رسیده-گروه متممی، و او=عطف، او را-گروه اسمی، مفعول همراه با نشانه را، درهم دریده-گروه فعلی فعل مرکب این درهم‌ریختگی و گشتار جابجایی در ترجمه از زبان مقصد به مبدأ رخ می‌دهد.

#### ۵. نتیجه سخن

در متن حاضر از قرن یازدهم که ترجمه‌ای از متن عربی در موضوع اخلاق است سبک‌شناسی زبانی در سه مختصات آوایی و صرفی و نحوی مورد تحلیل واقع شد. در نسخه حاضر در مختصات آوایی مطلب قابل توجه‌ای یافت نشد اما در مختصات صرفی و نحوی ما شاهد بسامد بالای واژگان عربی، انواع جمع‌های عربی، عطف‌های فراوان واژگان فارسی و عربی با هم و کلمات غریب و در مختصات نحوی با حل و تضمین احادیث و آیات و اشعار، مطابقت صفت و موصوف، افعال پیشوندی فراوان، استعمال افعال به صورت وجه وصفی که گونه‌ای روایت حکایات را قوت می‌بخشید روبه‌رو بودیم. سبک مؤلف با وجود داشتن واژگان و نحو نزدیک به عربی و نیز آیات و احادیث و اشعار با آن که خالی از تکلف نیست اما سبکی روان و قابل فهم برای مخاطب است و با آن که در حوزه اخلاقیات است اما با وجود داشتن واژگان ذهنی فاقد اصطلاحات دشوار حوزه اخلاق است و سبکی همه فهم که حکایات اسرائیلیات کمک به فهم حدیث می‌کند.

#### عدم تعارض منافع

نویسندگانی که نام‌هایشان ذکر شده است تأیید می‌کنند که هیچ وابستگی یا مشارکتی با هیچ سازمان یا نهادی که منافع مالی (مانند حق الزحمه؛ کمک‌های آموزشی؛ شرکت در سخنرانی‌ها؛ عضویت، استخدام، مشاوره، مالکیت سهام یا سایر منافع مالی؛ و شهادت کارشناسی یا ترتیبات مجوز اختراعات) یا منافع غیرمالی (مانند روابط شخصی یا حرفه‌ای، وابستگی‌ها، دانش یا باورها) در موضوع یا مواد مورد بحث در این دست‌نوشته ندارند.



## کتابنامه

### فارسی:

۱. ابوالقاسمی، محسن، **دستور تاریخی زبان فارسی**، تهران، سمت، ۱۳۹۸
۲. ابن بابویه، ابو جعفر محمد بن علی، **الخصال**، قم، موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، (۱۳۶۷ ق)
۳. ابن ابی جمهور احسائی، محمد بن علی، **عوالی اللئالی**، تحقیق مجتبی عراقی، قم، مطبعه سیدالشهداء، (۱۴۰۳ ق)
۴. درایتی، مصطفی، **فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)**، جلد ۲۸، چاپ اول، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۲
۵. شمیسا، سیروس، **کلیات سبک‌شناسی**، تهران، میترا، ۱۳۹۳
۶. شیرازی، محسن، **نسخه خطی مجلس آرا**، شماره ۳۶۵۲، تهران، دانشگاه تهران، (۱۲۶۰ ق)
۷. فتوحی، محمود، **سبک‌شناسی**، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، تهران، سخن، ۱۳۹۰
۸. متقی هندی، علاء‌الدین علی، **الاربعین**، قم، دارالکتب العلمیه، (۱۳۹۹ ق)
۹. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الانوار**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، (۱۴۰۳ ق)

### مقالات:

۱۰. عاشوری، نادعلی، **”سنت اربعین نویسی و نسخه‌ای شریف در شرح چهل حدیث“**، مطالعات اسلامی شماره ۶۶ و ۶۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۳

### انگلیسی:

11. Leectch, Geoffrey and m.shortstyle in fiction: A linguistic Introduction to English Fictional Prose. Londman. (1981)